

نقش رهبری در پیشرفت‌ها و حل چالش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه مسائل امنیتی و دفاعی

سید محمد موسوی *

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۱/۱۱

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۷/۲۱

چکیده

یکی از مفاهیم با اهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... موضوع و مفهوم امنیت است. هدف مقاله، بررسی وضعیت مسائل امنیتی و دفاعی در سه دهه رهبری مقام معظم رهبری است و از این دیدگاه این نوشتار در مقام پاسخگویی به این سؤال است که نقش رهبری در پیشرفت‌ها و حل چالش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه مسائل امنیتی و دفاعی در سه دهه اخیر چه بوده است؟ ایشان به‌عنوان فرمانده کل قوا چه اقداماتی درباره پیشرفت نیروهای مسلح انجام داده‌اند؟ نوشتار به روش توصیفی و تحلیلی است و ابزار گردآوری اطلاعات به‌صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی شامل کتابها، مقالات تخصصی و اینترنت صورت گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری در طول دوران رهبری پربرکت خویش، جنگ و صلح را با ترازوی حکمت، عزت و مصلحت مدیریت کردند و بارها جمهوری اسلامی را از خطر جنگ‌هایی که ایران را تهدید می‌کرد نجات داده است. ایشان توجه زیادی به تقویت نیروهای نظامی و امنیتی داشته و با مدیریت و پیگیری خویش به بهترین وجه رهبری کرده و در خطرناکترین رویدادها که ایران با آن روبه‌رو شده با درایت و هوشیاری بر چالش‌ها غلبه کرده و امنیت را به کشور باز گردانده است.

کلیدواژه‌ها: رهبری، چالش امنیتی، مسائل دفاعی، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

اکنون بیش از سه دهه از دوران پرشکوه زمامت امام خامنه‌ای مدظله می‌گذرد. در این مدت جمهوری اسلامی ایران با چالشهای امنیتی بسیاری روبه‌رو بوده است. مقام معظم رهبری بعد از اینکه رهبری نظام را بر عهده گرفتند، جنگ و صلح را با ترازوی حکمت، عزت و مصلحت مدیریت کردند و بارها جمهوری اسلامی را از خطر جنگهایی که ایران را تهدید می‌کرد، نجات دادند. چه در افغانستان و عراق و چه در برابر تهدیدات آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تهاجم به ایران، ایشان با اقتدار در مراحل خطرناک مختلفی، ثابت قدم ایستادند و ملت و امت مقتدر خویش را رهبری، و ایران به برکت ایشان از خطرهای زیادی عبور، و از موضع قدرت و هماوردی با آنها مقابله کرد. حضرت امام خامنه‌ای توجه زیادی به تقویت نیروهای نظامی و امنیتی داشته و با مدیریت و پیگیری خویش این نیروها را رهبری کرده است (قاسم، ۱۳۹۴: ۲۲).

یکی از ویژگیهای مهم رهبری امام خامنه‌ای، انقلابیگری است. این شأن بزرگ در واقع نشاندهنده هویت اصلی انقلاب اسلامی است و تمامی شتون دیگر رهبری در سایه آن کارایی و تأثیرگذاری دارد. مسئولان بلند پایه نظام اعم از رئیس جمهور و وزیر خارجه و دیگران نیز در تعاملات و روابط خود با قدرتهای جهان به‌طور جدی نیازمند این شأن مهم رهبری هستند و با تکیه بر آن می‌توانند با دستی پر و پشتوانه‌ای محکم ظاهر شوند و اهداف خود را پیش ببرند. امام خامنه‌ای با بیان اینکه من "انقلابی‌ام" همه نظرها را به خود جلب کرد؛ اما متأسفانه توجه کافی به آن مبذول نشد و اهتمام لازم به ابعاد و مصداقهای آن صورت نگرفت. در حالی که سزاوار بود پژوهشگران حوزه مسائل سیاسی - امنیتی و نیروهای مؤمن و انقلابی درباره آن بخوبی بیندیشند و حقایق نهفته آن را استخراج کنند و در معرض افکار عمومی قرار دهند.

بی‌شک، رهبری از ارکان مهم انقلاب اسلامی است. شناخت مواضع ایشان در حقیقت شناخت مواضع انقلاب است و سزاوار بود بویژه بعد از سخنرانی معظم‌له درباره شأن انقلابیگری رهبر انقلاب و اقدامات انقلابی، پژوهش‌بایسته و تحقیق‌شایسته‌ای صورت می‌گرفت؛ اما چنانکه اشاره شد درباره آن غفلت شد و کار در خوری انجام نشد. به هر روی، شناخت و تبیین مواضع رهبری، چه به اعتبار نسبت آن با انقلاب اسلامی و چه به لحاظ برکات و ثمرات مبارک خود این شخصیت، خصوصاً شأن انقلابیگری و انقلابی‌بودن ایشان، لازم و ضروری است. اقدامات برجسته و

انقلابی ایشان تاکنون نه تنها بارها نظام را از بحران‌های بزرگ و حوادث خطرناک نجات بخشیده، بلکه چه بسیار بر عزت و منزلت جمهوری اسلامی افزوده و برای ملت عزیز ایران افتخار و سربلندی به ارمغان آورده است.

از این رو در نوشتار پیش رو نقش رهبری در پیشرفت‌ها و حل چالش‌های نظام جمهوری اسلامی ایران در حوزه مسائل امنیتی - دفاعی با استفاده از روش تحقیق توصیفی تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

ادبیات و پیشینه تحقیق

اخوان کاظمی (۱۳۸۵) در کتاب امنیت در نظام ساسی اسلام با ارائه ساز و کارهای گوناگون تأمین امنیت و مستند کردن آنها به قرآن و روایات، راهکارهای فراوان و دقیقی را برای دستیابی به امنیت معرفی کرده و با اثبات فرضیه خود بر این ادعا پای فشرده است که این مفهوم انواع و ابعاد و ساز و کارهای تأمین آن در منابع قرآنی و روایی تعریف شده و با ارائه مصداق‌های مشخص، تفصیل یافته است. از سویی ایمان و امنیت معنوی، سرچشمه و مبنای اصلی تمام ابعاد امنیت و ساز و کارهای تأمین آن، و بین این ابعاد و ساز و کارها، هم‌پیوندی و توازن عمیقی برقرار، و هرگونه قوت یا ضعف و ناامنی در یک بعد بر دیگر ابعاد و حوزه‌ها مؤثر است.

خسروپناه و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۵) کتاب منظومه فکری امام خمینی (ره) را با این رویکرد نگاه‌شده‌اند تا مدیران و برنامه‌ریزان کشور بتوانند با استفاده از مبانی اعتقادی و جهان‌بینی و نظام ارزشی و نظام اجتماعی و اهداف جامعه اسلامی مطرح‌شده در این منظومه به تدوین نقشه راه تمدن نوین اسلامی دست یابند و تصمیم‌سازهای آموزشی، فرهنگی، حقوقی، قضایی، دفاعی، امنیتی، تربیتی، اخلاقی، سیاسی و... را با رویکرد توحیدی انجام دهند.

الفت‌پور (۱۳۸۹) در کتاب چهل تدبیر، گزیده‌ای از مهمترین وقایع تاریخ جمهوری اسلامی ایران را از سال‌های ابتدایی پیروزی غرورآفرین انقلاب اسلامی تا چالش اصلی انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر یعنی پرونده هسته‌ای عنوان کرده است. مذاقه در تاریخ پرفراز و نشیب جمهوری اسلامی ایران، احساس تدبیری همیشگی با پشتوانه اندیشه ناب را برای انسان تداعی می‌کند که توانسته است این امانت سترگ را از تنگناهای تاریخ به سمت آینده‌ای روشن رهنمون کند.

مجموعه تدابیر و چاره‌اندیشی‌هایی که نظام برای حفظ حیات خویش به هنگام غائله‌ها و بحرانهای مختلف اندیشیده، نگارنده را بر این داشته است تا در این کتاب به بررسی بخشی از این تاریخ پرافتخار جمهوری اسلامی بپردازد. چهل پرونده در این کتاب شامل جریانهایی است که تاکنون نظام جمهوری اسلامی با آن روبه‌رو بوده و با لطف و عنایت خاص حضرت رحمان و سربازان نام آشنا و گمنام امام زمان(عج) به صحنه قدرت‌نمایی و نمایش کارآمدی نظام اسلامی بدل شده است. بیست‌ویک مورد از این چهل پرونده به حیات سیاسی امام راحل و نوزده مورد آن به دوران زعامت آیت‌الله خامنه‌ای مربوط است. مسلماً هر یک از این دو مقطع زمانی ویژگیهای خاص و منحصر به فرد خود را دارد که هیچ یک بر دیگری برتری ندارد؛ چرا که هر غائله و فتنه‌ای در هر زمانی بر اساس شرایط زمانی و مکانی مختص خود طراحی می‌شود که تدبیری از جنس زمان و مکان خود را می‌طلبد. این کتاب بر آن است تا سیری منطقی، گوناگون، مؤثر و راهگشا از تدابیر نظام جمهوری اسلامی در آغاز دهه چهارم انقلاب ارائه کند.

مهدوی یگانه (۱۳۹۵) در کتاب من انقلابی‌ام، بیان می‌کند که یقیناً انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی بدون هدایتها و تصمیمات قاطع و عملکردهای انقلابی و پرصلابت یک رهبر انقلابی همچون مقام معظم رهبری، نه تنها به قله‌های بلند عزت و افتخار نائل نمی‌آمد، بلکه قادر به ادامه حیات خود نیز نمی‌بود. انقلاب اسلامی هیچ‌گاه بدون هویت و حیات از جنس خود یعنی (انقلابیگری) قادر به ادامه راه نیست؛ هم‌چنانکه هر انسانی بدون حیات انسانی و هویتی از جنس انسانیت قادر نیست. این کتاب در پی توصیف رهبر انقلابی است؛ رهبری که از تمام علایق و تعلقات گسسته و با تمام وجود و همه هستی خود به حضرت حق پیوسته باشد و تنها چنین کسی است که می‌تواند همچون امام راحل(ره) تمام قد در مقابل قدرتهای متکبر و مستکبر و زورگویانی بایستد که دیگر حکام و رؤسای کشورها با اندک اخم و تشری از آنها دست‌وپای خود جمع می‌کنند و دلش نلرزد، بلکه به آنها تشر هم بزند و زمانی که تمام جهان در اثر خشم و لجام‌گسیختگی ابر قدرتها جرأت نفس کشیدن ندارند، سینه سپر کند؛ به عربده‌کشی‌هایشان پاسخ قاطع و منطقی دهد؛ به دیگران نیز جرأت سخن گفتن و موضع گرفتن ببخشد. طبع انقلاب اسلامی و اقتصادی اسلام ناب و ولایی اساساً جز این نیست و نظام جمهوری اسلامی بدون وجود چنین رهبری حتی لحظه‌ای نیز نمی‌تواند به راه خود ادامه دهد، و گرنه قدرتهای بزرگ و بی‌منطق دنیا در همان لحظه آن را خواهند بلعید و به حیات آن پایان خواهند داد.

خسرو پناه و جمعی از پژوهشگران، (۱۳۹۶) کتاب منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را در چهار بخش نظام‌های بینش، نظام‌های منشی و رفتاری، نظام‌های اجتماعی اسلام و اهداف اجتماعی اسلام تدوین کرده‌اند. نظام بینشی شامل منطق اسلام، خداشناسی توحید، ولایت‌شناسی، اسلام‌شناسی، جهان‌شناسی اسلامی و انسان‌شناسی اسلامی است. نظام‌های منشی و رفتاری شامل نظام معنویت اسلامی، اخلاق اسلامی، نظام تربیتی اسلام و نظام عبادی اسلام است. نظام‌های اجتماعی اسلام شامل نظام فرهنگ اسلامی، نظام علمی اسلامی، نظام مدیریت اسلامی، نظام سیاست اسلامی، نظام اقتصاد اسلامی، نظام حقوق اسلامی، نظام امنیتی - دفاعی اسلام است و اهداف اجتماعی اسلام شامل استقلال اسلامی، عدالت اسلامی و پیشرفت اسلامی است. این اثر نشان می‌دهد که بیانات معظم‌له از نظام هماهنگی برخوردار است به گونه‌ای که اجزایش کل نظام‌مندی را تشکیل می‌دهد که ادامه‌دهنده گفتمان فکری علمای گذشته و استمراربخش گفتمان امام خمینی (ره) است و با رویکرد اجتهادی به مسائل معاصر می‌پردازد. تمدن اسلامی، مبتنی بر منظومه فکری مقام معظم رهبری، توحیدمحور است؛ توحیدی که نه تنها در عقیده و قلب آدمیان حضور دارد، بلکه همانند روحی، همه ساختهای فردی و اجتماعی، ملی و ملوکوتی انسان را احاطه کرده است. آزادی و استقلال و دانش و قدرت و سیاست و قضاوت و امنیت و دفاع و... جملگی توحیدی است.

شیخ نعیم قاسم (۱۳۹۴) در کتاب رهبر احیاگر در صدد بیان گوشه‌ای از اندیشه‌ها و رویکردهای امام خامنه‌ای (مدظله العالی) است و هدف آن آشنایی با اندیشه اصیل و مبتکرانه ایشان است تا جوانان و اندیشمندان با این تجربه با ارزش در فهم اسلام و اجرای آن و مدیریت کشور و جامعه آشنا شوند. در این کتاب تلاش شده است تا با تحلیل مختصری موضوع را تبیین کند و بیشتر به بیانات و مواضع معظم‌له بپردازد و به همین دلیل بیشتر مطالب این کتاب، بیانات ایشان است تا بدین وسیله خواننده مستقیماً از بیانات ایشان در موضوعات مختلف بهره‌بردار. این کتاب را از روی باور و زیستن و همراهی با معظم‌له در متن وقایعی نوشته که برای ایشان رخ داده است و مخاطبان آن همه کسانی هستند که به دنبال یافتن چهره نو از حقیقت اصیل هستند.

عبداللهی (۱۳۹۰) در کتاب دستهای نامرئی عملیات براندازی امریکاییها و برخی کشورهای اروپایی هم‌پیمان امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در راهبرد استحاله از درون انقلاب اسلامی و در حوزه تاکتیکها، انبوهی از راهکارهای اجرایی از جمله ایجاد انشقاق در ساخت قدرت، غیرت‌زادایی، و تعصب‌زدایی از جامعه دینی، شکاف بین ملت و حکومت، خدشه در اصول و

ارزشهای اسلامی، بحران‌زایی در صحنه سیاسی کشور، رسوخ لیبرالیسم فرهنگی در جامعه و... را در دستور کار قرار داده است که مطبوعات، دانشگاه‌ها و محافل علمی ابزارهای عمده آن به‌شمار می‌رفتند. در این میان برخی از عناصر سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در اجرای فرایند براندازی نقش کلیدی و محوری را در تعامل با کانونهای هدایت‌کننده امریکایی برای فروپاشی نظام اسلامی ایران بازی می‌کنند. تطبیق ویژگیهای عملیات براندازی غرب با عملکرد عناصر مشکوک در عرصه‌های اداره کشور در زمره کارهای اساسی است که ضروری است در دایره شناخت و ارزیابی خواص جریان خودی و مدافعان جبهه حقیقت قرار گیرد.

نائی (۱۳۹۱) در کتاب اصول و مبانی جنگ نرم دربارهٔ رهیافت تقابله‌گرایی و سخت‌افزارانه با محوریت اقدامات نظامی در نظام بین‌الملل که جای خود را به رویکرد نرم‌افزاری و جنگ نرم داده است، مطرح می‌کند که این رهیافت از سوی مراکز مطالعاتی، کانونهای تفکر و مؤسسات وابسته به بنیادهای غرب گسترش یافته و توسط مؤسساتی همچون «کمیت‌های خطر کنونی» «بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی»، (مؤسسه هوور) و بنیاد دفاع از دموکراسی ترویج شده است. سالها است که غرب با رویکرد جدید و در قالب بهره‌گیری از روشهای نرم، اهداف خود را پیگیری می‌کند؛ امری که رهبر معظم انقلاب از همان آغاز دهه هفتاد با ادبیات و تعبیر مختلف نظیر تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، شیخون فرهنگی و جنگ نرم خطر آن را گوشزد کردند و مسئولان نظام را به چاره‌اندیشی در برابر آن فرا خواندند. شواهد زیادی هست که آشکار می‌سازد از آغاز چهارمین دهه پیروزی انقلاب اسلامی، دنیای غرب بر دامنه و شدت جنگ نرم خود در هر یک از سه قلمرو اقتصادی، سیاسی و فرهنگی افزوده است؛ از همین رو، ضروری است با تدبیر از پیش اندیشیده‌شده، دامنه و سطح جنگ نرم، مبانی و ابعاد آن باز شناخته شود.

مبانی نظری پژوهش، اندیشه دفاعی مقام معظم رهبری

جهاد و دفاع در شریعت اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار است بویژه جهاد دفاعی که می‌تواند در همه زمانها و دورانها مورد نیاز مسلمانان باشد. بی‌شک با مراجعه به آیات و روایات درمی‌یابیم که دفاع در اندیشه اسلامی از مبانی و اصول مستحکمی برخوردار است. دفاع از سرزمینها و منافع مسلمانان (بلکه همه مستضعفان)، اصلی کلی در سیاست خارجی

دولت اسلامی است. دولت اسلامی چه از نظر وظیفه اعتقادی و چه از نظر حفظ منافع موجودیت خود، لازم است از منافع و سرزمینهای مسلمانان دفاع کند؛ زیرا صرف نظر از مسائل داخلی دنیای اسلام، تضعیف هر جزء از جامعه اسلامی و از دست رفتن آنان لطمه‌ای سنگین و جبران‌ناپذیر به دیگر اجزای آن است (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۵). دفاع از منافع مسلمانان و سرزمینهای اسلامی، مقطعی نیست؛ بلکه این مسئله از موضوعاتی است که به برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری نیاز دارد. پس لازم است این اصل با راهبرد و شیوه‌های مشخص و کاربردی محقق شود (حقیقت، ۱۳۸۷: ۱۱۶).

امام خمینی (ره) درباره دفاع از سرزمینهای اسلامی معتقد است: ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم (موسوی خمینی، ۱۳۶۹). در ادامه مبانی دفاع براساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری مورد بحث قرار می‌گیرد که در آموزه‌های بلند دینی، عقلانیت متکی بر اجتهاد، درک عمیق و آگاهی وسیع و تجربه گرانسنگ مدیریتی ریشه دارد.

۱. تکلیف‌گرایی

انجام‌دادن رفتار بدون در نظر گرفتن نوع نیت و انگیزه نمی‌تواند به‌عنوان عمل دینی پذیرفته شود و لذا بر این اساس در آموزه‌های دینی، رفتارهایی مورد رضایت شارع مقدس خواهد بود که انگیزه و نیتی خالصانه و تکلیف‌گرایانه داشته باشد. تکلیف‌محوری و احساس ادای وظیفه در هر حال و وضعیت باید ملاک و معیار رفتار دینی تلقی شود. قرآن کریم در مواضع متعدد، مسئولیت مردم و رهبران جامعه را یادآور شده و تکلیف آنان را بیان کرده است (اعراف/۶). در الگوی اقتدار نظام اسلامی، نظم، تجهیزات نظامی و آموزشی از جایگاه مهمی برخوردار است؛ اما روح همه این ابزارها احساس تکلیف الهی و اتکال به خداوند متعال است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۹/۰۹/۲۴).

۲. نگرش ارزشی به دفاع

جنگیدن با هدف کشورگشایی و فتوحات و تصرفات بدون پشتوانه ارزشی، ناپسند و مذموم به‌شمار می‌رود و هیچ‌گاه مورد تأیید آموزه‌های دینی نیست. دفاع و جهاد هنگامی پسندیده و قابل ملاحظه است که بر ارزشها و آرمانهای متعالی متکی باشد. حکومتی که بنیان آن بر تقوی و عدالت

پی‌ریزی و استوار گردیده و هدف و مقصد آن به تعالی‌رساندن انسان و حفظ و حراست از هنجارهای اسلامی در ابعاد اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... است، لا محاله نیازمند تمامی لوازم مورد نیاز این هدف والا و بالا است و نگاه ارزشمدارانه به مقوله دفاع و جهاد یکی از ملزومات است. بنابراین می‌توان گفت در کشوری که ارتش و نیروهای مسلح با اصالت‌های آن کشور ممزوج شود، خود به مدافع آن ارزشها تبدیل می‌شود؛ لذا دفاع و جهاد خود ارزش به‌شمار می‌رود و کسانی که وارد عرصه دفاع و جهاد می‌شوند نیز به حفظ و حراست از ارزشها توجه ویژه‌ای خواهند داشت. با نگاهی عمیق و دقیق در می‌یابیم که در جمهوری اسلامی ایران، ارتش، سپاه و بسیج، عنصر تعیین‌کننده در دفاع از ارزشهای اسلامی و انقلابی هستند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۵/۱۱/۱۸).

۳. معنویت‌گرایی

جهاد و دفاع از جمله اموری است که وجود معنویت در آن می‌تواند در کیفیت و نوع دفاع و جهاد تأثیر شگرفی داشته باشد. جهادگران و مدافعان واقعی کسانی هستند که با تمام وجود شیفته جهاد و مبارزه هستند و در این راه از هیچ امری رویگردان نیستند و حاضرند جان و هستی خود را فدا کنند. بنابراین، شالکه و بنیان اصلی و اساسی دفاع باید روح معنویت باشد؛ زیرا در این شرایط، مهمتر از آمادگیهای نظامی و رزمی، آمادگیهای روحی و معنوی و قدرت عزم و توان ایستادگی ملت‌ها در برابر تندبادهاست. در این میان، کسب معنویت در میدان جهاد و دفاع، توکل به خداوند متعال و اعتماد به نفس، بنمایه اساسی استحکام ملت و نظام است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۰/۰۱/۱۵). با توجه به اصل معنویت در جهاد و دفاع ما می‌توانیم الگوی جدیدی در نظامیگری معرفی کنیم به نام «الگوی اقتدار معنوی» که در این الگو تجهیزات نظامی و محاسبات مادی در درجه دوم قرار دارد (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۹/۰۹/۲۴) و آنچه مهم و حیاتی و اساسی است، معنویت است که بنیانگذار اقتدار و قدرت خواهد بود.

۴. اقتدار و استحکام نظامی

نیروهای نظامی در حرکت اسلامی باید از حداکثر قدرت و توان برخوردار باشند و خود را مجهز به پیشرفته‌ترین سلاحها در عصر زمان خود کنند. در حقیقت می‌توان گفت که اقتدار نظامی و دفاعی هر کشور مهمترین عامل بازدارنده تهاجم از سوی دشمنان است و لذا هیچ ملتی نمی‌تواند

انتظار داشته باشد در حالی که ضعیف و ناتوان است و قادر بر دفاع از خویش نیست، دیگران به او چشم طمع نورزند و نخواهند از او سوء استفاده کنند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۴/۰۱/۱۶). بر همین اساس باید اذعان کرد که قدرت نظامی برای کشوری که مورد تهدید قدرتهاست یکی از واجبتین واجبهاست. همه کشورهایی که می‌خواهند از آسیب دخالت قدرتهای بزرگ محفوظ باشند، اولاً باید نظامهای سیاسی آنها به مردم متکی باشد. ثانیاً باید از قدرت نظامی کارآمد برخوردار باشند (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۶/۰۷/۰۵). توانمندی در عرصه نظامی و دفاعی با هدف بازدارندگی و کنترل نقشه‌های شوم و مسموم دشمنان جزء دکترین نظامی جمهوری اسلامی است و راهبرد نیروهای مسلح افزایش آمادگیها در تمامی عرصه‌های نظامی است.

چالش‌های امنیتی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران

با توجه به وجود تهدیدات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری، امنیت را می‌توان به دو گونه کلی نرم‌افزاری و سخت‌افزاری تقسیم کرد که هر کدام از این دو نوع امنیت خود، زیرمجموعه‌هایی دارد؛ به عبارت دیگر، امنیت هم انواعی دارد که یکی از آنها امنیت نظامی و انتظامی است. امنیت سیاسی و اقتصادی و فکری و عقیدتی هم داریم که همه اینها مقولات بسیار با اهمیتی است (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۷۸/۰۶/۱۰). بر همین اساس ممکن است که امنیت کشور از ناحیه نیروهای خارج از مرز تهدید شود یا نیروهای نظامی مثل جنگ‌هایی که اتفاق می‌افتد به مرزهای کشور حمله کنند یا تهاجم سیاسی و تبلیغاتی علیه کشور صورت گیرد (آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۹۶/۰۱/۰۶). در صورت اول، امنیت سخت‌افزاری مورد تهاجم واقع می‌شود و در صورت دوم، امنیت نرم‌افزاری در معرض خطر قرار می‌گیرد. امنیت نرم‌افزاری به گونه‌ای از امنیت معطوف است که در پی امنیت فکری، فرهنگی و عقیدتی جامعه است که در صورت آسیب‌دیدن این امنیت، بنیانهای فکری، فرهنگی و اعتقادی جامعه فرو خواهد ریخت. امنیت سخت‌افزاری از سنخ امنیت ناظر به مقوله‌هایی از مسائل زندگی انسانی است که ارتباط مستقیمی با ثبات و یا عدم‌ثبات در زندگی انسانها دارد (خسرو پناه و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۶: ۱۰۰۹).

نظام امنیتی - دفاعی یکی از نظامهای اجتماعی است که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) بدان توجه ویژه‌ای دارند. امنیت برای جامعه بسان وجود هوای تنفسی، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و لازمه جامعه‌ای پویا، سوزنده و کارآمد، تحقق امنیت پایدار، محکم و

مستحکم است. به وجود آمدن امنیت و تحقق این امر، خود مقوله‌ای مهم و در خور توجه است که باید به این مسئله مهم و حیاتی توجه ویژه‌ای داشت. در هر جامعه، حکومت و کشوری، نهادهایی برای تحقق امنیت در وجوه مختلف و دفع از تمامیت ارضی و برخورد با متجاوزان تأسیس و تعبیه شده است که مأمور تحقق این امر مهم هستند (خسرو پناهی و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۶: ۷۳). در ادامه مهمترین چالشهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران و نقش رهبری در رویارویی با آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. جنگ اول خلیج فارس

بیش از ۱۰۰ هزار سرباز عراقی با حمایت ۷۰۰ دستگاه تانک ارتش این کشور در ساعات اولیه دوم آگوست ۱۹۹۰ (۱۱ مرداد ۱۳۶۹) به کویت حمله کردند. صدام خاک کویت را به عراق ضمیمه کرد و با این کار خود باعث بروز بحرانهای بین‌المللی شد. اشغال کویت به این معنا بود که صدام با احتساب ذخایر نفتی عراق دارای ۲۰ درصد ذخایر نفت جهان شده بود. در ششم آگوست سازمان ملل در قطعنامه ۶۶۱ تحریمهای اقتصادی را علیه عراق اعمال کرد. پس از این قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه عرب قطعنامه‌هایی درباره مناقشه حمله عراق به کویت صادر کردند. یکی از مهمترین این قطعنامه‌ها، قطعنامه ۶۷۸ بود که در ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ صادر شد که در آن ضرب‌الاجل ۱۵ ژانویه ۱۹۹۱ برای خروج نیروهای عراقی از کویت تعیین شد (الفت‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

با پایان یافتن اولتیماتوم غرب به عراق برای ترک کویت و عدم توجه عراق به این هشدارها، نیروهای متحد، عملیات تهاجمی گسترده‌ای را به‌عنوان طوفان صحرا علیه عراق آغاز کردند. در جریان بمبارانهای وسیع هواپیماهای نیروهای متحد، بخش اعظم تأسیسات زیربنایی عراق ویران شد و صدها نفر از مردم بی‌دفاع عراق کشته و زخمی شدند. در ادامه حملات هوایی نیروهای متحد غرب، حمله زمینی علیه عراق و تسلیم بلاقید و شرط عراق پایان یافت.

در چنین فضای رعب‌آلود پر از ابهام و غبار فتنه، رهبر انقلاب اسلامی سه کار عمده انجام دادند: یکی روشنگری و ارائه تحلیل صحیح و عمیق از اوضاع منطقه و عراق بود که در این زمینه خط بطلان بر تمامی تحلیلهای نادرست کشیدند و اعلام کردند حمله صدام به کویت و حمله امریکا به صدام هر دو از یک جنس، هر دو برای قدرت‌طلبی و در مسیر باطل و همچون حمله کرکس‌ها به یکدیگر است: «تحلیل قضایای جاری کار پیچیده‌ای نیست. هر کس به این صحنه و

منظره نگاه کند... جنگ کرکس‌ها بر سر جیفه را مشاهده می‌کند. یک کرکس صدام حسین است، یک کرکس آقای بوش...» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۰۵/۲۴).

کار دوم این بود که نه تنها مرعوب قدرت‌نمایی و عربده‌کشی‌های امریکا نشدند، بلکه با مواضع انقلابی، تهاجمی و تحقیرکننده کوشیدند تا جوّ به وجود آمده از ترس و نگرانی مسئولان کشور و از آن فراتر را با ۱۸۰ درجه چرخش عوض کنند: «اولین مسئله اساسی که امروز در پیش روی مردم قرار دارد، عبارت از خوی تجاوزگری بی‌پایان ابرقدرتها و قدرتهای بزرگ جهانی و در رأسشان امریکاست... چرا یک کشور را این طور ویران می‌کنید؟ چرا قدرتی به صرف اینکه می‌تواند شلیک کند، به خودش اجازه می‌دهد که بر هر هدفی که دلش می‌خواهد، شلیک کند؟ آخر به چه مناسبتی؟... آخر، این چه جنایتی است که انجام می‌گیرد؟ از این بزرگتر، جنایتی متصور نیست... آقای بوش به خاطر قتل مردم عراق به وسیله بمبارانهای شهرها و غیره، یک قاتل و یک جنایتکار است...» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۱۱/۰۴).

حدود یک ماه بعد که امریکا در دنیا داد پیروزی و اقتدار سر داد و در اطراف مرزهای دریایی ایران قدرت‌نمایانه و مستانه جولان می‌داد و جوّ ارباب شدیدی به وجود آورده بود، باز هم رهبر پرصلابت و شجاع جمهوری اسلامی ایران بود که با انتقادهای بسیار شدید و سنگین، قدرت امریکا را سخت تحقیر کرد و کار رئیس جمهور این کشور را ابلهانه و بدتر از حمله مغول خواند: «امریکایی‌ها و همدستانشان در این ماه‌ها بخصوص در هفته‌های اخیر با امت اسلام کاری کردند که چنگیز و هلاکو هم نکرده بودند! یعنی این آقای بوش با ظاهری متمدن و با وضع و چهره‌ای اتوکشیده. اگر چهره‌اش در باطن از چنگیز و هلاکو و تیمور و دیگر متجاوزان معروف دنیا، زشت‌تر و تیره‌تر نباشد، روشتر و زیباتر نیست. همان کاری را که آنها می‌کردند، ایشان در ابعاد وسیعتری انجام داد. حرث و نسل را کشت؛ ملتی را مورد تحقیر و اهانت قرار داد؛ کشوری را تبدیل به ویرانه کرد؛ حالا هم در آنجا ایستاده و ابلهانه - نه هوشمندانه؛ ما این را ثابت می‌کنیم - احساس پیروزی می‌کند!... باطن قضیه این است که امریکایی‌ها در اینجا شکست خوردند... رئیس جمهور امریکا باید بداند که امروز در میان کشورهای اسلامی... هیچ انسانی از رئیس جمهور امریکا منفورتر نیست... اگر ملت‌ها در مقابل امریکا بایستند، امریکایی‌ها نخواهند توانست هیچ غلطی بکنند» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۱۲/۱۱).

حقیقتاً اگر انسانی اندکی نیز آن فضای پر از رعب و وحشت و آکنده از عربده‌کشی‌ها و

قدرت‌طلبی‌های امریکا و دولتها و ملت‌های مرعوب دنیا و منطقه را بتواند در ذهن خود ترسیم کند، آن‌گاه است که شجاعت، صلابت، و اقتدار شگفت‌انگیز رهبر فرزانه انقلاب را در این‌گونه برخوردهای انقلابی برآستی تحسین می‌کند و آن را با شجاعت و مهابت حضرت امام خمینی (ره) در مبارزه با شاه در جوّ لبریز از اختناق و ترس پیش از انقلاب همسان تلقی خواهد کرد. آری تا انسان خود در فضای آن زمان و در آن جایگاه نباشد، نخواهد توانست عظمت و شکوه این شجاعت و انقلابیگری را درک کند (مهدوی یگانه، ۱۳۹۵: ۳۹-۳۸).

اقدام سوم رهبر انقلاب اتخاذ موضعی حکیمانه و بیطرفانه (به معنای خودداری از ورود به جنگ به نفع این یا آن) و در واقع موضعی انقلابی در عرصه برخورد عملی با حوادث منطقه و حمله امریکا به عراق بود. ایشان خود بر انقلابی‌بودن این عمل تأکید کرده‌اند: «این موضعی که مسئولان جمهوری اسلامی اعلام کرده‌اند، صددرصد اسلامی و انقلابی است؛ چون نفی تجاوزطلبی و تقبیح حوادثی است که علیه مردم اتفاق افتاده است...» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۶۹/۱۱/۰۴).

۲. بحران هسته‌ای ایران

ایران قبل از انقلاب با هدایت امریکا در صف استفاده‌کنندگان از دانش هسته‌ای قرار گرفت؛ در همین راستا مرکز اتمی دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۵ به منظور آموزش پایه‌گذاری شد و در سال ۱۳۳۷ به پیشنهاد دانشگاه تهران، ساخت یک رآکتور هسته‌ای در دستور کار هیأت دولت قرار گرفت و تصویب شد. اندکی بعد رئیس جمهور وقت امریکا برای تبلیغ طرح اتم برای صلح، یک رآکتور اتمی به ایران تحویل داد. عملیات ساختمانی رآکتور دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۰ آغاز شد و در آبان ۱۳۴۶ نیروگاه اتمی با ظرفیت ۲۳۰۰۰ مگاوات را بشدت دنبال کرد. از سال ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷ حدود چهار نیروگاه اتمی، هر یک شامل دو واحد، برنامه‌ریزی شد و قرارداد ساخت آنها با تفاهمنامه، بین سازمان انرژی اتمی و پیمانکاران خارجی به امضا رسید. این نیروگاه‌ها عبارت بود از: ۱. نیروگاه بوشهر ۲. نیروگاه کارون ۳. نیروگاه اصفهان ۴. نیروگاه ساوه (الفت‌پور، ۱۳۸۹: ۲۵۷-۲۵۶).

پس از پیروزی انقلاب نیز ایران به پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای وفادار ماند. ایران پس از پایان جنگ و به منظور تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر، که به دلیل تحریمها و عدم همکاری آلمان به حالت تعلیق درآمده بود در تاریخ ۱۹ دی ۱۳۷۳ قراردادی را با کشور روسیه به امضا رساند که موجب تشدید عملیات روانی علیه ایران شد. دولت امریکا در تداوم مخالفت‌های خود در سال ۱۳۷۷

موفق به تصویب تحریم فناوری هسته‌ای و موشکی ایران در کنگره امریکا شد و با تحمیل رأی خود در اجلاس سران هفت کشور صنعتی جهان، موسوم به گروه ۷، ایران را از برخورداری فناوری دامنظوره محروم ساخت. امریکایی‌ها سرانجام توانستند به‌رغم رضایت کامل محمد البرادعی، دبیر کل آژانس انرژی اتمی در جریان دیدارش در سال ۱۳۸۲ از تأسیسات هسته‌ای ایران در اقدامی غیرمتعارف و بدون گرفتن رأی، قطعنامه شدیدالحنی را علیه ایران به تصویب برسانند. در بند ۶ این قطعنامه آمده است: «آژانس از ایران می‌خواهد تا بدون قید و شرط و فوری با دبیرخانه همکاری کند و پروتکل الحاقی را امضا و تأیید و به‌طور کامل اجرا کند و به‌عنوان یک دبیر اعتمادبرانگیز از این پس براساس این پروتکل عمل کند» (الفت پور، ۱۳۸۹: ۲۵۷).

– راهکارهای موجود برای مقابله با بحران

راه‌حل اول: تعلیق بی‌قید و شرط در برابر زیاده‌خواهیهای امریکا و کشورهای اروپایی بود؛ دقیقاً مثل رفتاری که دولت لیبی در برابر فشار امریکا برای خروج از این بن‌بست در پیش گرفت. تنها در این صورت بود که هیچ خطری جمهوری اسلامی ایران را تهدید نمی‌کرد.

راه‌حل دوم: ایستادگی در برابر خواست امریکا، بدون کمترین نرمشی از سوی جمهوری اسلامی ایران بود.

راه‌حل سوم: مقاومت در برابر فشارها و تهدیدهای خارجی و دفاع از حق مسلم ملت ایران بر محور اعتمادسازی بود که این گزینه، امضای مشروط پروتکل الحاقی را نیز شامل می‌شد.

از نگاه جمهوری اسلامی ایران، تسلیم در برابر زورگوییها در بحرانهای بین‌المللی ضمن اینکه با عزت و استقلال ایران مغایرت داشت، دشمنان انقلاب را نیز در فرونخواهیشان گستاخ‌تر می‌کرد. از سوی دیگر عدم انعطاف‌پذیری در مواضع هم می‌توانست موجب از دست دادن برخی از فرصتها و نیز تحمیل هزینه‌های سنگین‌تری برای ایران باشد. جمهوری اسلامی تحت نظارت مقام معظم رهبری تمام گفتگوها را در روندی نسبتاً طولانی دنبال کرد که مهمترین آنها، گفتگوهای ایران با سه کشور آلمان، انگلیس و فرانسه در مجموعه سعدآباد بود. ایران در این گفتگوها پذیرفت تا با آژانس بین‌المللی همکاری کامل کند و غنی‌سازی اورانیوم را داوطلبانه به حالت تعلیق درآورد. طرفهای اروپایی نیز متعهد شدند پس از اطمینان آژانس از صلح‌آمیز بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، کمکهای فناورانه خود را برای ارتقای فناوری هسته‌ای در اختیار ایران قرار دهند (الفت پور، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

به دنبال پذیرش پروتکل الحاقی از آنجا که هنوز نظر صریحی از سوی رهبر معظم ابراز نشده بود، موجی از مخالفتها در نیروهای انقلابی پدید آمد و مسئولان پرونده هسته‌ای بشدت تحت فشار این اعتراضات قرار گرفتند. با موضع صریح مقام معظم رهبری این روند تعدیل شد. ایشان اظهارات خود را در سه محور مطرح کردند:

۱. ارائه سیاستهای کلی درباره بحران هسته‌ای و ترسیم خط قرمز برای مسئولان در گفتگوهای

هسته‌ای

۲. اعمال نظارت دقیق و کنجکاوانه بر رفتار آنها

۳. جلب اعتماد عموم مردم بویژه نیروهای انقلابی به تصمیمات دولت و در نتیجه کاهش فشار

بر دولت و برچیده شدن زمینه‌های اختلاف

رهبر معظم انقلاب درباره فعالیت ایران در زمینه انرژی هسته‌ای در یکی از سخنرانیهایش فرمودند: «تاکنون کاری برخلاف مبانی و اصول انجام نشده است؛ ضمن آنکه هر جا احساس کنم که برخلاف ضوابط و جهتگیریهای نظام و اهداف انقلاب قدمی برداشته می‌شود، جلوی آن را خواهم گرفت» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۲/۰۸/۱۱).

به‌رغم تمام اقدامات اعتمادساز، اروپاییها به تعهداتشان در قضیه هسته‌ای عمل نکردند. جمهوری اسلامی به بازگشایی مرکز اصفهان در تابستان ۸۴ و تغییر راهبرد اعتماد به اقتدار اقدام کرد و با فک پلمپها تحت نظارت آژانس در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۶ تحقیقات هسته‌ای خود را آغاز کرد. در این زمان اروپاییها با سیاست تهدید ایران وارد عمل شدند و اعلام کردند پرونده ایران را به شورای امنیت می‌برند. ایران هم اعلام کرد در این صورت تمام اقدامات داوطلبانه ایران ملغی خواهد شد. فرستاده شدن پرونده ایران به شورای امنیت در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۶ نشاندهنده عقب‌نشینی غرب در حد یک گزارش بود که شکست جدیدی در روند سیاسی غرب با نظام جمهوری اسلامی بود. ایران نیز متعاقباً تمام فعالیتهای خود را از سر گرفت. مقام معظم رهبری با تأکید بر تغییر روند سیاست ایران در پرونده هسته‌ای در دولت نهم فرمودند: «پس از مدتها سرانجام غریبها اذعان کردند که مسئله سلاح هسته‌ای مسئله آنها نیست و آنها با دستیابی ایران به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای مخالفند که این حرف برای ما به هیچ‌وجه شنیدنی نیست». ایشان بودند که صریحاً اعلام کردند انرژی هسته‌ای حق مسلم ملت ایران است: «مسئله هسته‌ای، خواسته عظیم ملی و حق طبیعی ملت ایران است» (حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، بیانات: ۱۳۸۴/۱۲/۲۳). این مقاومت رهبری و ملت ایران در

روز ۲۰ فروردین ۱۳۸۵ با اعلام دستیابی به چرخه کامل سوخت هسته‌ای با غنای ۳/۵ درصد به بار نشست و ایران جزء ده کشور دارای فناوری سوخت هسته‌ای قرار گرفت (الفت‌پور، ۱۳۸۹: ۲۵۹).

– حق استفاده از انرژی هسته‌ای

استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای حق همه ملت‌های جهان است و هیچ‌کس نمی‌تواند ملتی را از حقوق هسته‌ایش محروم کند. اساسنامه «آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» وابسته به سازمان ملل متحد، ساز و کارها و محدودیتهای استفاده از این فناوری را برای همه کشورها مشخص می‌کند و ایران هم قوانین آژانس را به‌عنوان معیار پذیرفته و در این نهاد عضو شده است. از دیدگاه اسلام، علم و دین دو مقوله توأم هستند و توسعه توانمندیهای کشورهای اسلامی و پیشرفت در همه زمینه‌ها، ضروری است. امام خامنه‌ای دام‌ظله در این‌باره فرمودند: «علم و دین توأم‌اند. علم جدا از دین، همان‌گونه که در رفتار برخی کشورها آشکار است در نهایت به ساخت جنگ افزایش می‌دهد. مانند بمب اتم به وسیله‌ای برای زورگویی تبدیل می‌شود؛ اما با علم توأم با دین و تلاش علمی برای خدا و در راه خدا می‌توان به توفیقات پایداری دست یافت که دستاوردهای جهاد دانشگاهی نمونه‌ای از آن است» (بیانات در بازدید از پژوهشکده رویان، ۲۵ تیر ۱۳۸۶).

دستیابی به فناوری هسته‌ای، جبهه حق را تقویت می‌کند و فواید بسیاری دارد که مسیر رشد و حفاظت از محیط زیست را هموار می‌کند و تواناییهای علمی را افزایش می‌دهد. امام خامنه‌ای دام‌ظله در این‌باره فرمودند: «در این قضیه نیز عصبانیت جبهه استکبار نشان می‌دهد دستیابی ایران به فناوری انرژی هسته‌ای یک اقدام مؤثر در تقویت جبهه حق در جبهه‌گیریهای جهانی است» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و نژوئلا، ۱۵ فروردین ۱۳۸۸). رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر اینکه همه کشورهایی که توانایی دستیابی به انرژی هسته‌ای دارند، باید به این سمت بروند، خاطر نشان کردند: «با توجه به محدودبودن منابع نفت و لزوم بهره‌برداری صحیح از منافع فراوان آن، چاره‌ای جز حرکت به سمت انرژیهای نو از جمله انرژی هسته‌ای به‌عنوان سالمترین راه تولید انرژی وجود ندارد» (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و نژوئلا، ۱۵ فروردین ۱۳۸۸).

مردم از حقوق خود صرف‌نظر نخواهند کرد و در برابر دستوره‌های دیکته‌شده آمریکا تسلیم نخواهند شد و در برابر تهدیدات و تحریمها سر فرود نخواهند آورد؛ زیرا این مردم می‌خواهند آزاد و مستقل باشند. امام خامنه‌ای دام‌ظله فرمودند: «همان‌طور که مسئولان نظام بارها گفته‌اند، فعالیتهای ایران برای استفاده از انرژی هسته‌ای مطلقاً ربطی به سلاح هسته‌ای ندارد و انحرافی از این حرکت

علمی صورت نگرفته؛ ضمن اینکه ملت پر امید، جوان، انقلابی و پایدار ایران با این فشارها از حقوق خود در استفاده از فناوری هسته‌ای، صرف‌نظر نخواهد کرد و زیر بار حرف زور امریکا و غیر امریکا نخواهد رفت» (خطبه‌های نماز جمعه، ۲۹ مهر ۱۳۸۴).

شکسته شدن انحصار علمی به وجود آمده توسط برخی کشورها، حائز اهمیت فراوانی است؛ چون ثابت شده است که هر کشوری در صورت پیشرفت علمی، در همه زمینه‌ها پیشرفت می‌کند؛ اما اگر کشوری از نظر علمی وابسته باشد، پیشرفت نخواهد کرد و ده‌ها و بلکه صدها سال از کاروان جهانی علم عقب خواهد ماند. امام خامنه‌ای دام‌ظله استفاده از علم برای زورگویی را بزرگترین جنایت ضد بشریت خواندند و تأکید کردند: «اگر ملتها بتوانند به صورت مستقل در عرصه‌های هسته‌ای، هوافضا، فناوری، علمی و صنعتی به پیشرفت دست پیدا کنند، دیگر زمینه‌ای برای سلطه زورگویانه قدرتهای جهانی باقی نخواهد ماند» (بیانات در دیدار دانشمندان هسته‌ای کشور، ۳ اسفند ۱۳۹۰).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله) با اشاره به شکسته شدن انحصار علمی به وجود آمده توسط قدرتهای سلطه‌گر در ایران فرمودند: «باید با اتکا به خداوند متعال و بدون توجه به جنجالها، مسیر پیشرفتهای علمی در عرصه‌های مختلف بویژه فناوری هسته‌ای با قدرت و جدیت ادامه پیدا کند» (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۵ آذر ۱۳۸۸) و این است راه کسب دانش و تجربه برای حفظ استقلال و کاهش وابستگی. امام خامنه‌ای دام‌ظله فرمودند: «هم‌چنانکه بارها گفته‌ایم ملت ایران در قضیه هسته‌ای به دنبال دانش مورد نیاز کشور است و اعتقاد دارد اگر امروز این دانش و فناوری و دانایی را به دست نیاورد که چرخهای اقتصادی همه جهان براساس نیروی هسته‌ای حرکت می‌کند برای این کار دیر خواهد بود» (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۵ آذر ۱۳۸۸).

– فتنه سال ۱۳۸۸

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، که در ۲۲ خرداد آن سال برگزار شد، فصل مهمی از حال و آینده جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد؛ زیرا انتخاباتی عادی نبود و شخصیت‌های مهم و معروف انقلاب، که از همراهان امام خمینی قدس سره بودند در آن به رقابت پرداختند. در این انتخابات، چهار نامزد شرکت کردند: محمود احمدی‌نژاد، میرحسین موسوی، محسن رضایی و مهدی کروبی.

در این انتخابات، فعالیتها و تبلیغات انتخاباتی فراوانی صورت گرفت و همه ابزارهای رسانه‌ای و

ارتباطی به کار گرفته شد. رقابت اصلی و شدید در این انتخابات بین دو نفر بود: آقای محمود احمدی‌نژاد، نماینده جریان اصولگرا و آقای میرحسین موسوی، نماینده جریان اصلاح‌طلب. رسانه‌های بیگانه و برخی از شخصیت‌های سیاسی جهان تلاش کردند تا در این انتخابات مداخله کنند؛ به همین منظور، دیدگاه‌ها و تحقیقات غرب را درباره آن منتشر کردند.

امام خامنه‌ای دام‌ظله حوادث حول و حوش این انتخابات از قبیل دروغ، تشویش اذهان عمومی، آشوب و تحریک را «فتنه» نامیدند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله با اشاره به اینکه زور آزمایی خیابانی بعد از انتخابات در واقع به چالش کشیده شدن اصل انتخابات و مردم‌سالاری است، تأکید کردند: «از همه می‌خواهم به این روش غلط خاتمه دهند که اگر خاتمه ندهند، مسئولیت تبعات و هرج و مرج آن به عهده آنها خواهد بود» (بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۵ آذر ۱۳۸۸).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله با تأکید بر اینکه انتخابات براساس قانون انجام و تمام شد و اشکالی هم بر آن نبود، خاطر نشان کردند: «پایبندی به قانون اقتضا می‌کند که اگر رئیس‌جمهور منتخب را هم قبول نداشته باشیم، اما در مقابل قانون خاضع باشیم و به آن احترام بگذاریم» (بیانات در دیدار با طلاب و استادان حوزه‌های عملیه، ۲۲ آذر ۱۳۸۸).

امام خامنه‌ای دام‌ظله در رهنمودهایشان به فرماندهان دستگاه‌های امنیتی، آنها را به حفظ نظم، استفاده نکردن از سلاح علیه تظاهرکنندگان، آرام کردن موج اغتشاشات با تکیه بر آگاهی و جداکردن گروه‌های تظاهرکننده از یکدیگر توصیه کردند. این اوضاع، که حیات جمهوری اسلامی ایران را تهدید می‌کرد، هفت ماه ادامه یافت و رسانه‌های سیاسی خارجی به‌طور گسترده آن را پوشش دادند. هدف آن رسانه‌ها، تحریک مردم ایران و ناامید کردن آنان از مقابله با این چالش و وادار کردن رهبری به عقب‌نشینی بود؛ اما خداوند پاداش ایران، رهبر، ملت، سپاه و نیروهای امنیتی آن را داد به این صورت که پس از هفت ماه، حادثه مهمی در روز عاشورا رخ داد. در آن روز طرفداران میرحسین موسوی با حمله به مراسم عاشورا در تهران، امان عزاداری را از بین بردند و پارچه‌های سیاه و شعارها و تصاویر امام خمینی قدس سره را آتش زدند و هنگام برگزاری برخی مراسم عاشورایی سوت و کف زدند! در نتیجه، مردم به مقابله با آنها برخاستند و مردم همه استانهای ایران این اقدام را محکوم کردند و بسیاری از مردم، که فریب خورده بودند از اردوگاه فتنه خارج شدند. عاشورای آن سال نعمت بزرگی بود؛ زیرا در آن سال، فتنه به‌طور کامل خاموش شد و عوامل آن به زندان افتادند یا به حبس خانگی محکوم شدند و پس از آن، تحرک دیگری از

فتنه‌گران در خیابانها اتفاق نیفتاد.

حادثه عاشورای سال ۱۳۸۸، که با ششم دی مصادف بود به برکت عاشورا، تأثیر عظیمی بر خاموشی فتنه گذاشت؛ در نتیجه مردان حسینی و زنان زینبی بر فتنه و طرفدارانش پیروز شدند. امام خامنه‌ای دام‌ظله فرمودند: «ضمناً توجه داشته باشید یکی از خصوصیات دیگری که در حادثه ۹ دی هست که باز آن را کاملاً به حوادث انقلاب نزدیک می‌کند، مسئله عاشورا است؛ یعنی در حوادث اول انقلاب هم محرم پیش آمد و امام آن نکته عظیم عجیب تاریخی را بیان کردند: ماهی که خون بر شمشیر پیروز است. این حرف کوچکی نیست: پیروزی خون بر شمشیر. ماها عادت کرده‌ایم این حرفها را هی تکرار می‌کنیم. کان عمقش گاهی از یادمان می‌رود. خون بر شمشیر پیروز می‌شود، مظلوم بر ظالم فائق می‌آید. کشته بر کشته فائق می‌آید. این همان چیزی است که در عاشورا پیش آمد. امام این را در محرم سال ۵۷ مطرح کردند. در قضیه ۹ دی هم باز پای امام حسین در میان بود؛ پای عاشورا در میان بود. اگر آن حرکات سخیف و در واقع گریه‌آور از سوی این گروه‌های ایضاً سخیف در عاشورا پیش نمی‌آمد، این حرکت عظیم و این تحرک عمومی مردم معلوم نبود به این شکل به وجود بیاید. اینجا هم پای عاشورا در میان بود» (بیانات در دیدار با اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی، ۲۱ آذر ۱۳۹۰).

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در طول حیات چهار ساله خود با چالشهای گوناگونی روبه‌رو بوده است. امام خامنه‌ای دام‌ظله مهمترین چالشهایی را که جمهوری اسلامی با آن روبه‌رو بوده است این‌طور عنوان کرده‌اند:

۱. جنگ تحمیلی

۲. تحریمها و فشارهای اقتصادی

۳. فتنه سال ۱۳۷۸ و ۱۳۸۸: یکی دیگر از چالشها که البته این چالش پیچیده‌تری بود؛ چالشهای فتنه‌انگیزی بود که در فتنه‌ای مثل هجدهم تیر سال ۷۸ و فتنه سال ۸۸ با فاصله ده سال، اینها در تهران راه انداختند.

۴. مسئله هسته‌ای

۵. عرصه علم و فناوری» (بیانات در دیدار با مردم استان کرمانشان، ۲۰ مهر ۱۳۹۰).

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، دشمنان از تلاش برای براندازی جمهوری اسلامی دست برنداشته‌اند. براندازی این نظام هدف اول آنهاست؛ چرا که آنها می‌خواهند این طرح تحول ملتها و الهامبخش مستضعفان را نابود کنند؛ اما آنها در سرنگون کردن جمهوری اسلامی شکست خوردند؛ در نتیجه به دنبال هدف دیگری رفتند و آن، تهی کردن انقلاب از محتوای آن است. آنها از گذشته تاکنون برای رسیدن به هدف سومی هم تلاش می‌کنند و آن، استفاده از افراد ضعیف‌النفس برای تخریب از درون است. امام خامنه‌ای دام‌ظله در این باره فرمودند: «جبهه دشمن هم {که} یک دشمن نبود، یک جبهه بودند، هرچه توانستند، تلاش کردند. هر کاری از دستشان برمی‌آمد، کردند؛ از جنگ‌های خیابانی تا جنگ‌های رومی تا کودتای نظامی تا تحمیل جنگ هشت‌ساله، تا تحریم اقتصادی، تا به راه انداختن ماشین عظیم جنگ روانی در طول سی‌ودو سال. سی‌ودو سال است که علیه ملت ایران و علیه انقلاب و علیه امام جنگ روانی وجود دارد: دروغ گفتند، تهمت زدند، شایعه پخش کردند، سعی کردند ایجاد اختلاف کنند، سعی کردند راه‌ها را در داخل منحرف کنند (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۵ بهمن ۱۳۸۹).

هدفهایی که آنها دنبال می‌کردند در درجه اول، سقوط انقلاب و سقوط نام جمهوری اسلامی بود. هدف اول براندازی بود. هدف بعدی این بود که اگر براندازی نظام جمهوری اسلامی تحقق پیدا نکند، انقلاب را استحاله کنند؛ یعنی صورت انقلاب باقی بماند؛ اما باطن انقلاب، سیرت انقلاب، روح انقلاب از بین برود. در این زمینه خیلی تلاش کردند که آخرین نماینده آنها که روی صحنه آمد، همین فتنه ۸۸ بود. در حقیقت، یک تلاشی بود، یک عده‌ای در داخل به‌خاطر حب به نفس، حب به مقام، از این قبیل امراض خطرناک نفسانی، اسیر این توطئه شدند. من بارها گفته‌ام طراح و نقشه‌کش و مدیر صحنه در بیرون از این مرزها بود و هست. در داخل با آنها همکاری کردند؛ بعضی دانسته، بعضی ندانسته. این هم هدف دوم. هدف سوم هم باز این بود و هست که کاری کنند که اگر نظام اسلامی باقی می‌ماند از عناصر ضعیف‌النفسی که می‌توان در آنها نفوذ کرد، استفاده کنند و اینها را در مسائل کشور در واقع، طرفهای اصلی خودشان قرار بدهند. بالاخره نظامی به‌وجود بیاید و ادامه پیدا کند که قدرت کافی را نداشته باشد، ضعیف باشد، مطیع باشد، عمده این است که سرسپرده باشد، مطیع باشد. در مقابل امریکا نیستند، قد علم نکنند، اهداف اینها است. این کارها و این مراحل گوناگون تا امروز شکست خورده است، تا امروز نتوانستند. البته خیلی تلاش کرده‌اند. کارهای گوناگونی را دنبال کرده‌اند که حالا در خلال عرایضم به بعضی از

آنها اشاره خواهم کرد. در تلاش خودشان کم نگذاشتند؛ لیکن توفیق پیدا نکردند. چون مردم بیدار بودند. ما در جامعه، نخبگان خوبی داریم. ملت خوبی داریم. مسئولان خوبی داریم. الحمدلله تا امروز دشمن نتوانسته است آن هدفهای خود را انجام دهد. انقلاب راه خود را ادامه داده است و پیش رفته است» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۵ بهمن ۱۳۸۹).

همه دستاوردهای انقلاب اسلامی ثمره شایستگی ملت ایران است که در میدان پایداری کرده و در مقابله با جنگ تحمیل شده از طرف عراق، صدها هزار شهید و جانباز داده است و وضعیت اقتصادی را در ایران تحمیل کرده است و با تکیه بر تجارب و تواناییهایش، حتی با وجود محاصره بین‌المللی و فشارهای اعمال شده بر جمهوری اسلامی، راه خویش را ادامه داده و پیشرفت کرده است.

آینده بسیار درخشان است؛ زیرا وقتی که ایران با وجود همه چالشها، سه دهه مقاومت می‌کند، سپس پیشرفت کرده و دیگران را وادار به پذیرفتن جایگاه خود در جهان و منطقه می‌کند، پس امت سرنوشت خوبی پیش رو خواهد داشت و آینده این کشور خوب خواهد بود و کشور باشتاب هرچه بیشتر، پیشرفت خواهد کرد. امام خامنه‌ای دام‌ظله در این زمینه فرمودند: «من به شما عرض بکنم آینده کشور، آینده بسیار روشنی است. علی‌رغم همه آنچه که دشمنان ما می‌خواسته‌اند و می‌گفته‌اند و بعضی حنجره‌های غرض‌ورز و زبانهای آلوده به بدخواهی آنها را تکرار کردند. تبلیغ کردند، یک عده‌ای هم ساده‌لوحانه باور کردند، حرکت انقلاب اسلامی، یک حرکت موفق است؛ تجربه روی زمین ما این را نشان می‌دهد. ما خیالبافی نمی‌کنیم. نمی‌خواهیم توهم‌سازی کنیم و خودمان را با توهمات خوشحال کنیم؛ نه. واقعیات را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم نظام جمهوری اسلامی ایران در سایه این نظام در این سی‌ودو سال، روز به روز پیشرفت کردند؛ آن هم پیشرفتهایی بسیار برجسته‌تر از پیشرفتهای متعارف و معمول ملتها» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۵ بهمن ۱۳۸۹).

در نتیجه، اکنون بیش از سه دهه از دوران پرشکوه زعامت امام خامنه‌ای دام‌ظله می‌گذرد. در این مدت جمهوری اسلامی ایران با چالشهای امنیتی بسیاری روبه‌رو بوده است. مقام معظم رهبری، جنگ و صلح را با ترازوی حکمت، عزت و مصلحت مدیریت کردند و بارها جمهوری اسلامی را از خطر جنگهایی که ایران را تهدید می‌کرد، نجات دادند. چه در افغانستان و عراق و چه در برابر تهدیدات امریکا و رژیم صهیونیستی برای تهاجم به ایران، ایشان با اقتدار در مراحل خطرناک مختلفی، ثابت قدم ایستادند و ملت و امت مقتدر خویش را رهبری کردند.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۵)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۸۷)، میانی اندیشه سیاسی در اسلام، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۹۰/۱/۱۵.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۸۴/۱/۱۶.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۷۵/۱۱/۱۸.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۸۹/۹/۲۴.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۷۶/۷/۵.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۹۶/۱/۶.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۶۹/۱۲/۱۱.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۸۸/۱/۱۵.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۸۸/۹/۱۵.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۹۰/۷/۲۰.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۹۰/۹/۲۱.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۸۸/۹/۲۲.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۶۹/۵/۲۴.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۸۶/۴/۲۵.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۹۰/۱۲/۳.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۴.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۶۹/۱۱/۴.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، ۱۳۸۲/۱۱/۸.
- خامنه‌ای، سید علی، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۹/۱۱/۱۵.
- خامنه‌ای، سید علی، خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۷/۲۹.
- خسروپناه، عبدالحسینی و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۵)، منظومه فکری امام خمینی (ره)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- خسروپناه، عبدالحسین و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۶)، منظومه فکری آیت‌الله خامنه‌ای مدظله العالی، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

الفت‌پور، محمدعلی (۱۳۸۹)، *چهل تدبیر (مروری بر مقاطع بحرانی تاریخ جمهوری اسلامی ایران)*، تهران: پرستا.

قاسم، شیخ نعیم (۱۳۹۴)، *رهبر احیاگر؛ سیری در اندیشه‌های راهبردی امام خامنه‌ای مدظله العالی*، ترجمه کتاب الولی المجدد، ترجمه محمدباقر اسدی.

منصوری، جواد (۱۳۶۵۹)، *نظری بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: امیرکبیر.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۹)، *صیحه نور*، تهران: سازمان مدارک علمی، فرهنگ انقلاب اسلامی.

مهدوی یگانه، مرتضی (۱۳۹۵)، *من انقلابی‌ام*، باز خوانی بر جسته‌ترین مواضع انقلابی رهبر عظیم‌الشأن انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی) ۱۳۹۴ - ۱۳۶۸. تهران: ساقی.

نائینی، علی محمد (۱۳۹۱)، *اصول و مبانی جنگ نرم*، تهران.



The Role of the Supreme Leader in Making Progress and Solving Security and Defense Challenges of the Islamic Republic of Iran

Sayyed Mohammad Moosavi *

These days, the issue and concept of security comprise a significant, complex, and novel perception in the world, in political, social, and economic regards. The purpose of this study is to investigate the place of security and defense issues in the three decades of the leadership of the Supreme Leader. Hence, this research is intended to answer the question relating the role of the leader in progressing and solving security and defense challenges facing the Islamic Republic in these decades. What measures the Commander-in-Chief has taken for the progress of the Armed Forces? This is a descriptive-analytical research whose data is collected by library and documentary methods including books, specialized articles and the internet sources. The results of the research signified that during his blessed leadership, the Supreme Leader has managed war and peace eras quite wisely with dignity and expediency, and has repeatedly saved the Islamic Republic from the danger of wars that threatened the country. He has paid quite a lot of attention to strengthening the military and security forces and has directed and managed them in the best way with his managing power. In the most dangerous situations that Iran has faced, he has been able to lead the country tactfully and attentively, and has restored security to the country.

Keywords: *leadership, security challenges, defense problems, Islamic Republic of Iran.*

* Associate professor in political sciences at Payam Noor University s46mosavi@yahoo.com